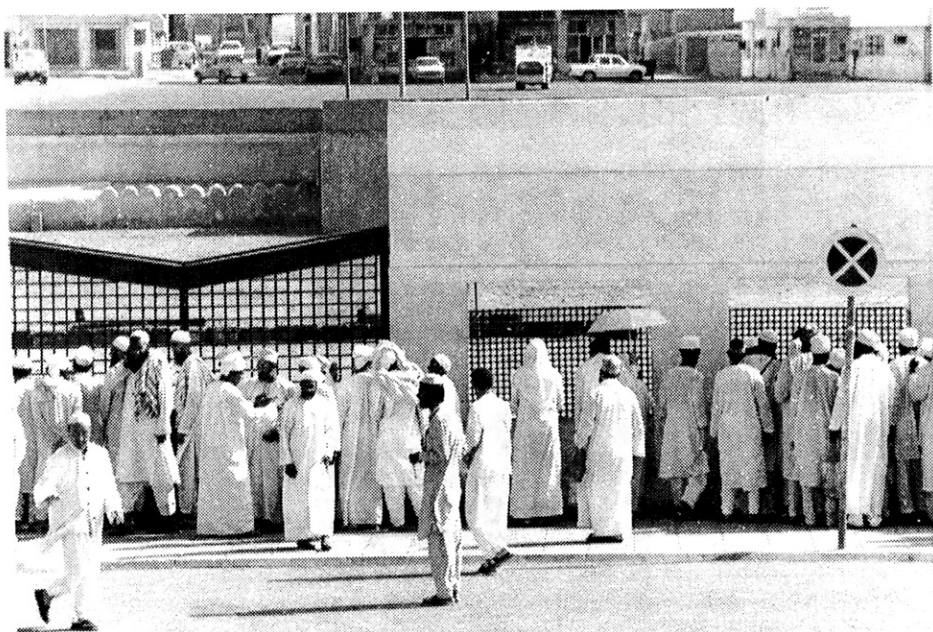




## فقه حج

مشروعیت سفر برای زیارت قبور



# مشروعیت سفر برای زیارت قبور

یعقوب جعفری

قرن‌هاست که مسلمانان جهان، طبق یک سیرهٔ حسنه و سنت پذیرفته شده و با پیروی از روایات وارده از پیامبر اسلام، بر سر قبور اولیای خدا و بزرگان دین حاضر می‌شوند و با ادای احترام نسبت به آنان، قبرشان را زیارت می‌کنند و از ارواح مقدسهٔ آنها کسب فیض می‌نمایند و به یاد ارزشها و اصالت‌هایی می‌افتند که این بندگان خوب خدا، همواره منادی آن بوده‌اند.

با وجود این، در نیمهٔ اول قرن هشتم، شخصی به نام «ابن تیمیه» ظاهر شد و زیارت قبور را نوعی بدعت دانست و با تمسک به مطالب سست و غیر مستند، به حرمت آن فتوا داد و سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبر را نامشروع خواند.<sup>۱</sup>

واکنش علمای اسلام، از شیعه و سنی، در مقابل این عقیدهٔ ابن تیمیه که آن را به اسلام نسبت می‌داد، بسیار تند و سریع بود و علمای مذاهب اسلامی پس از مباحثات بسیاری



که با او کردند، به بی‌اساس بودن ادعاهای وی پی‌برده، او را تکفیر نمودند. او به خاطر همین عقاید انحرافی به زندان افتاد و در سال ۷۲۸ در قلعه‌ای در دمشق از دنیا رفت.<sup>۲</sup>

علمای مذاهب، حتی حنبلی‌ها از ابن تیمیه - که خود را حنبلی می‌دانست - روی برگردانیدند و او را گمراه دانستند؛ مثلاً «یافعی» درباره‌ او گفت:

«ابن تیمیه مسائل غریبی آورد که بر او انکار کردند و از قبیح‌ترین سخنان او این که او از زیارت قبر پیامبر نهی کرد.»<sup>۳</sup>

ابن حجر عسقلانی نوشت:

«فقیه مالکی به کفر او حکم داد و در دمشق اعلام شد که هر کس عقیده ابن تیمیه را داشته باشد، خون و مال او حلال است.»<sup>۴</sup>

البته در اینجا قصد نداریم داوریه‌های علمای اسلام را درباره ابن تیمیه نقل کنیم؛ چرا که در چنین حالتی از هدف اصلی دور می‌افتیم و آنچه آورده‌ایم، برای نمونه است.

هرچند پس از مرگ ابن تیمیه، بعضی از شاگردانش مانند ابن قیم الجوزیه و ابن کثیر شامی دنباله حرفهای او را گرفتند، اما بهرحال سخنان و عقاید آنان در جامعه اسلامی، جا نیفتاد و به بوتۀ فراموشی سپرده شد تا این که در اوائل قرن سیزدهم، محمد بن عبدالوهاب از سرزمین حجاز حرفهای فراموش شده ابن تیمیه را تکرار کرد و پیروانی چند یافت که به «وهابی‌ها» شهرت یافته، حاکمان حجاز نیز از آنها حمایت کردند و جز خود، همه مسلمانان را مشرک و گمراه می‌دانند!

یکی از مطالب عمده ابن تیمیه و وهابی‌ها این است که آنها سفر برای زیارت قبور، حتی زیارت قبر پیامبر اسلام را، نامشروع بلکه مساوی با شرک می‌دانند.

ابن تیمیه می‌گوید:

«در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده که پیامبر فرمود: «لا تشد الرحال الا

الی ثلاثة: المسجد الحرام و المسجد الأقصى و مسجدی هذا»؛ «بار سفر بسته

نشود مگر برای سه جا: مسجد الحرام، مسجد الأقصى و این مسجد من.»

اگر کسی برای سفر به قبر حضرت ابراهیم و یا قبر پیامبر اسلام نذر کند، وفا به این نذر

واجب نیست؛ زیرا از سفر کردن به این محل‌ها نهی شده است.<sup>۵</sup>

همچنین ابن تیمیه در منهاج السنه، با وارد ساختن تهمتهای ناروا به شیعه، از این که

شیعیان قبر پیامبر و اولیای خدا را زیارت می‌کنند، آنها را به یهود و نصاری تشبیه می‌کند و

حتی شیعه را به خاطر این عمل، مشرک می‌داند و جالب این که به صورت «این قیل» از خود می‌پرسد که تنها شیعه به زیارت قبور نمی‌رود بلکه بسیاری از اهل سنت هم چنین می‌کنند، پس چرا فقط شیعه را متهم می‌کنی؟ پاسخ می‌دهد:

«درست است که بسیاری از اهل سنت هم به زیارت قبور می‌روند، آنها هم کار حرام می‌کنند و گمراه هستند ولی گمراهی شیعه بیشتر است!»<sup>۶</sup>

و بدینگونه خود ابن تیمیه اعتراف می‌کند که اکثریت مسلمانان از شیعه و سنی زیارت قبور اولیای خدا را مشروع می‌دانند و آن را انجام می‌دهند.

ابن تیمیه نه تنها سفر برای زیارت قبور را جایز نمی‌داند بلکه اساس زیارت قبور و از جمله زیارت قبر پیامبر اسلام را ولو برای ساکنین مدینه جایز نمی‌داند و روایاتی را که درباره زیارت قبر پیامبر وارد شده، رد می‌کند و آنها را ضعیف و جعلی می‌داند.<sup>۷</sup>

اکنون ما مسأله زیارت قبور را تحت چند عنوان مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱- استحباب زیارت قبور

#### ۲- استحباب زیارت خصوص قبر پیامبر و اولیای خدا.

#### ۳- سفر به آهنگ زیارت قبور.

#### ۴- بحث درباره حدیث (شدّ رحال).

البته ما در این بحثها هم به روایاتی که از طریق شیعه وارد شده، استناد خواهیم کرد و هم روایاتی را که از طریق اهل سنت است خواهیم آورد.

### استحباب زیارت قبور

رفتن به زیارت قبور خویشان و نزدیکان و دوستان و آشنایان، یک امر عقلایی است و اقوام و ملل از دیرباز، این کار را انجام داده‌اند و در اسلام نیز ممنوع نشده و حتی چنانکه خواهیم دید، پیامبر خدا به زیارت قبور امر کرده است و بدیهی است که امر رسول خدا حداقل بر استحباب آن دلالت دارد. البته از روایات چنین فهمیده می‌شود که در آغاز اسلام، پیامبر مردم را از زیارت قبور منع کرد ولی بعدها ممنوعیت برداشته شد و پیامبر به آن امر فرمود. شاید علت نهی قبلی این باشد که در آغاز اسلام مردگان غالباً مشرک و بت‌پرست



بودند و پیامبر می‌خواست هرگونه رابطه میان مسلمانان و مشرکین قطع شود؛ بخصوص این که احتمال داشت مسلمانان بر سر قبور پدران مشرکشان سخنان باطلی را به زبان بیاورند اما بعدها که اسلام قوت گرفت و مبنای توحید محکم شد و مسلمانان با شرک و بت‌پرستی بکلی قطع رابطه کردند و مظاهر شرک از بین رفت، پیامبر به زیارت قبور امر کرد تا از منافع تربیتی آن بهره‌گیری شود.

اینک توجه خوانندگان محترم را به چند حدیث که از طریق شیعه و سنی وارد شده است جلب می‌کنیم:

عن علی - علیه السلام - قال قال رسول الله - ص - : «نهیتکم عن زیارة القبور الافزوروها»<sup>۸</sup>

حضرت علی - علیه السلام - از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس زیارت کنید.»

عن ابي عبدالله - علیه السلام - فی زیارة القبور قال: «انهم یأنسون بکم فاذا غبتم عنهم استوحشوا»<sup>۹</sup>

امام صادق - علیه السلام - درباره زیارت قبور فرمود: «آنها با شما انس می‌گیرند و چون از پیش آنها غایب شوید وحشت می‌کنند.»

عن بریده قال قال رسول الله - ص - : «قد کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فانها تذکر الآخرة»<sup>۱۰</sup>

بریده از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس زیارت کنید که آخرت را به یاد شما می‌آورد.»

عن انس قال قال رسول الله - ص - : «کنت نهیتکم عن زیارة القبور الافزوروها فانها ترق القلوب و تدمع العین و تذکر الآخرة و لاتقولوا هجراً»<sup>۱۱</sup>

انس از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس قبرها را زیارت کنید که قلب را نرم و چشم را گریان می‌کند و آخرت را به یاد می‌آورد اما سخن بیهوده نگویید.»

عن انس قال: قال رسول الله - ص - : «نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فانها تذکرکم الموت»<sup>۱۲</sup>

انس از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کردم، از این پس زیارت کنید که آن مرگ را به یاد می‌آورد.»

این بود نمونه‌هایی از روایاتی که در کتب احادیث شیعه و سنی نقل شده و در آنها

مردم به زیارت قبور خوانده شده‌اند و بطوری که ملاحظه فرمودید، در بعضی از روایات، فوائد و منافعی برای زیارت قبور ذکر شده؛ از جمله این که قلب انسان را رقیق می‌کند و او را به یاد مرگ و روز قیامت می‌اندازد و بدینگونه آثار تربیتی خاصی بر آن مترتب می‌شود که نمی‌توان از آنها صرف نظر کرد.

بنابراین طبق روایاتی که خواندیم زیارت قبور عمل مستحبی است که شرع مقدس به آن دستور داده است.

### استحباب زیارت خصوص قبر پیامبر و اولیای خدا

هرچند که زیارت قبور مستحب است ولی زیارت قبر رسول خدا و حضرات معصومین - علیه‌السلام - از اولویت خاصی برخوردار است و بر استحباب آن تأکید بیشتری شده است؛ زیرا علاوه بر روایاتی که در این خصوص وارد شده و بعضی از آنها را خواهیم آورد، آثار تربیتی زیارت قبور این اولیای خدا بسیار زیاد است؛ زیرا زیارت آنها بزرگداشت کسانی است که عمری در طریق ایمان و تقوا گام برداشته‌اند و در واقع زیارت آنها ارج نهادن به ایمان و تقوا و ارزشهای معنوی و ترویج آن اوصافی است که در اولیای خدا وجود دارد.

و نیز زیارت قبور اولیای خدا نوعی اظهار محبت به کسانی است که محبت و دوست داشتن آنها در شرع لازم و علامت ایمان دانسته شده است.

در خصوص زیارت قبر پیامبر خدا روایاتی وارد شده است که ما بعضی از آنها را می‌آوریم، برخی از این روایات از طریق شیعه و برخی دیگر از طریق اهل سنت وارد شده است:

عن الصادق - علیه‌السلام - عن أبيه إن النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قال: «من زارني حياً و ميتاً كنت له شفيعاً يوم القيامة»<sup>۱۳</sup>

امام صادق - ع - از پدرش و او از پیامبر - ص - نقل می‌کند که فرمود: «هر کس مرا در حال حیات و ممات زیارت کند، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.»

قال امير المؤمنين - عليه‌السلام - : «اتموا برسول الله حجكم اذا خرجتم الى بيت الله فان تركه جفاء و بذلك أمرتم و اتموا بالقبور التي الزمكم الله - عزوجل - زيارتها و حقها و اطلبوا الرزق عندها»<sup>۱۴</sup>

امیرالمؤمنین - ع - فرمود: «وقتی به زیارت خانه خدا بیرون می‌روید حج خود را با



پیامبر خدا به پایان برید؛ زیرا که ترک آن جفاست و به این امر شده‌اید و نیز حج خود را تمام کنید با قبرهایی که خداوند زیارت آنها و ادای حق آنها را بر شما لازم کرده است و نزد آنها طلب روزی کنید.»

عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: «ولو تركوا زيارة النبي لكان على الوالي ان يجبرهم على ذلك و على المقام عنده فان لم يكن لهم مال انفق عليهم من بيت مال المسلمين.»<sup>۱۵</sup>

امام صادق فرمود: «اگر مردم زیارت پیامبر را ترک کنند بر عهده‌ی والی مسلمان است که مردم را به این کار مجبور کند و این که نزد قبر پیامبر باشند و اگر امکانات مالی نداشتند والی از بیت‌المال مسلمانها هزینه آنها را می‌پردازد.»

این سه روایت که آوردیم از طریق شیعه بود، اکنون روایاتی را از طریق اهل سنت

می‌آوریم:

عن عبدالله بن عمر قال قال رسول الله: «من زار قبري وجبت له شفاعتي.»<sup>۱۶</sup>  
پیامبر فرمود: «هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می‌شود.»  
عن حاطب بن أبي بلتعة قال قال رسول الله: «من زارني بعد موتي فكأنما زارني في حياتي.»<sup>۱۷</sup>

پیامبر خدا فرمود: «هر کس مرا پس از مرگم زیارت کند، مانند این است که در حال حیاتم زیارت کرده است.»

عن انس بن مالك عن النبي قال: «من زارني بالمدينة محتسبا كنت له شفيعا.»<sup>۱۸</sup>  
پیامبر خدا فرمود: «هر کس مرا به قصد قربت در مدینه زیارت کند، شفیع او خواهم بود.»

از اینگونه روایات در فضیلت زیارت قبر پیامبر و قبور اولیای خدا در کتب شیعه و سنی بسیار است و ما فقط نمونه‌هایی از آن را آوردیم.

مرحوم علامه امینی در همین مورد روایات بسیاری با سندهای مختلف و از کتب متعدد اهل سنت نقل کرده، همچنین ایشان فرازهایی از سخنان دانشمندان اهل سنت را، از مذاهب مختلف، درباره‌ی فضیلت و آداب زیارت قبر پیامبر نقل کرده است. کسانی که تفصیل بیشتری می‌خواهند به آنجا مراجعه کنند.<sup>۱۹</sup>

بعضی از علمای اهل سنت در این باره کتابهای مستقلی نوشته‌اند که از جمله آنهاست کتاب «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» از تقی‌الدین سبکی که در مصر چاپ شده است.

## سفر به آهنگ زیارت قبور

باتوجه به این که به زیارت قبور امر شده و زیارت قبور مؤمنین؛ بخصوص قبر پیامبر و اولیای الهی مستحب است، بدون شک سفر برای انجام چنین کاری نیز مستحب خواهد بود. زیرا همانگونه که سفر برای انجام حج واجب است، سفر برای انجام یک عمل مستحبی نیز از باب مقدمه عمل، مستحب خواهد بود.

وقتی رفتن به زیارت قبور، طبق احادیث صحیح، مشروع و مستحب باشد، چه فرقی می‌کند که انسان از خانه خود به قصد زیارت قبوری که در شهر خود اوست خارج شود و یا از شهری دیگر به قصد زیارت قبوری که در شهری دیگر است سفر کند؟ به هر حال مسافتی را برای این منظور طی می‌کند حال این مسافت کم باشد یا زیاد، تفاوتی نمی‌کند و در هر دو صورت رفتن به قصد زیارت است.

دیگر این که خداوند در قرآن کریم به اهل معصیت از مؤمنان دستور می‌دهد که خدمت پیامبر بروند و از آن حضرت بخواهند که از خدا برای آنها طلب مغفرت کند. ۲۰ در چنین صورتی امید است که خدا آنها را ببخشد. می‌دانیم که زنده و مرده پیامبر تفاوت نمی‌کند و طبق روایات، پیامبر پس از مرگش هم به امت خود دعا می‌کند و ناظر اعمال آنهاست.

عن عبدالله بن مسعود قال قال رسول الله -ص-: «حیاتی خیر لکم تحدثون و تحدث لکم و وفاتی خیر لکم تعرض علی أعمالکم فما رأیت من خیر حمدت الله علیه و ما رأیت من شر استغفرت الله لکم.»<sup>۲۱</sup>

پیامبر فرمود: «زندگی من برای شما خیر است که با هم سخن می‌گوییم و مرگ من نیز برای شما خیر است که اعمال شما بر من عرضه می‌شود، اگر عمل خیری دیدم بخاطر آن خدا را سپاس می‌گویم و اگر عمل بدی دیدم از خدا برای شما طلب مغفرت می‌کنم.»

بنابراین می‌توان گفت: مسافرت برای زیارت قبر پیامبر، همانند مسافرت برای دیدن

پیامبر در زمان حیات آن حضرت است.

از همه اینها گذشته طبق روایات بسیاری که در دست داریم، شخص پیامبر به خاطر زیارت قبور شهدای اُحد به آنجا سفر کرده و نیز بعضی از اصحاب رسول خدا برای زیارت قبور مسافرتها کرده‌اند و یا همدیگر را به سفر برای زیارت قبر پیامبر دعوت نموده‌اند و اینهمه





می‌رساند که سفر برای زیارت قبور مشروع و مطلوب بوده و سیره مسلمانان از عهد رسول الله و صحابه و تابعین به این طرف بر آن جاری بوده است. اکنون روایاتی را که مطالب یاد شده را در برگرفته با هم می‌خوانیم:

عن أبي هريرة قال قال رسول الله - ص - حين مرّ على شهداء أخذ: «أشهد ان هؤلاء شهداء عند الله يوم القيامة فأتوهم و زورهم و الذی نفسی بیده لایسلم علیهم احد الی یوم القيامة الا ردوا علیه.»<sup>۲۲</sup>

ابو هریره می‌گوید: پیامبر خدا هنگامی که از کنار شهدای احد عبور می‌کرد فرمود: «گواهی می‌دهم که اینها در روز قیامت نزد خداوند شهدا هستند پس به سوی آنها بیایید و آنها را زیارت کنید. قسم به خدایی که جانم در دست اوست تا روز قیامت هیچکس به آنها سلام نمی‌دهد مگر این که آنها جواب سلام او را می‌دهند.»  
عن طلحة بن عبيدالله قال: «خرجنا مع رسول الله يريد قبور الشهداء فلما جئنا قبور الشهداء قال: هذه قبور اخواننا.»<sup>۲۳</sup>

طلحة بن عبیدالله می‌گوید: «با پیامبر خدا بیرون رفتیم و آن حضرت قبور شهدای احد را اراده کرده بود. وقتی نزد قبرهای شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست.» (منظور از قبور شهدا در اینجا، قبور شهدای احد است که چند کیلومتر با مدینه فاصله دارد.)

علی بن الحسین عن أبيه قال: «كانت فاطمة تزور قبر عمها حمزة في كل جمعة فتصلی و تبکی عنده.»<sup>۲۴</sup>

علی بن الحسین از پدرش نقل می‌کند که: «فاطمه هر روز جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می‌رفت و در آنجا نماز می‌خواند و گریه می‌کرد.»

عن شهر بن حوشب قال: «لما اسلم كعب الأخبار عند عمر و هو فی بیت المقدس فرح عمر باسلام كعب الأخبار ثم قال: هل لك ان تسير معی الی المدینة فتزور قبر النبی و تمتع بزیارتہ؟ قال: نعم یا امیر المؤمنین انا افعل ذلك.»<sup>۲۵</sup>

ابن حوشب می‌گوید: «چون کعب‌الأخبار پیش عمر مسلمان شد و او در آن موقع در بیت‌المقدس بود، عمر از اسلام آوردن کعب‌الأخبار خوشحال شد و به او گفت: آیا می‌توانی با من به مدینه بیایی تا قبر پیامبر را زیارت کنی و از زیارت قبر او لذت ببری؟ گفت: آری یا امیرالمؤمنین چنین خواهم کرد.»

عن أبي الدرداء: «ان بلالا رأى فی منامه النبی - ص - و هو یقول له: ما هذه الجفوة یا بلال؟ اما ان تزورنی یا بلال؟ فانتبه حزیناً و جلاً خائفاً فركب راحلته و قصد المدینة و اتی قبر النبی فجعل یبکی عنده و یمرغ وجهه علیه.»<sup>۲۶</sup>

ابودرداء می‌گوید: «بلال پیامبر را در خواب دید که به او می‌گوید: «این چه جفایی است ای بلال آیا وقت آن نرسیده که مرا زیارت کنی؟ بلال از خواب بیدار شد، در حالی که محزون و غمگین بود پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و به قبر پیامبر آمد، آنجا گریه می‌کرد و صورت خود را با خاک قبر، خاک مالی می‌نمود.»

با توجه به این روایات که به عنوان نمونه نقل شد، به خوبی روشن می‌شود که سفر به آهنگ زیارت قبور در عصر پیامبر و صحابه یک سنت جاری بوده و کسی در مشروعیت آن تردید نداشته است و از آن زمان به بعد هم سیره مسلمین از هر فرقه و مذهبی بر آن جاری بوده و مسلمانان برای زیارت قبر پیامبر و اولیای خدا از اطراف و اکناف بلاد اسلامی مسافرت می‌کردند.

تنها چیزی که ابن تیمیه و پیروان او دستاویز خود کرده و سفر برای زیارت را غیر مشروع قلمداد کرده‌اند، احادیث معروف به «شد رحال» است که به صورتهای مختلفی نقل شده است و بطوری که خواهیم دید، این احادیث به هیچ وجه دلالتی بر منظور آنها ندارد و به کلی از مسأله زیارت قبور بیگانه است.

این حدیث با سه تعبیر در کتب اهل سنت و با یک تعبیر در کتب حدیثی شیعه نقل شده که عبارتند از:

قال رسول الله: «لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد؛ مسجدی هذا و مسجد الحرام و المسجد الأقصى.»

پیامبر فرمود: «بار سفر بسته نمی‌شود مگر برای سه مسجد؛ مسجد من، مسجد الحرام و مسجد الاقصی.»

قال رسول الله: «انما يسافر الى ثلاثة مساجد؛ مسجدی هذا و مسجد الحرام و المسجد الأقصى.»

پیامبر فرمود: «همانا مسافرت می‌شود به سوی سه مسجد؛ مسجد من و مسجد الحرام و مسجد الاقصی.»

قال رسول الله: «تشد الرحال الى ثلاثة مساجد؛ مسجدی هذا و مسجد الحرام و المسجد الأقصى.»<sup>۲۷</sup>

پیامبر فرمود: بار سفر برای سه مسجد بسته می‌شود؛ مسجد من و مسجد الحرام و مسجد الاقصی.»

عن علی بن ابيطالب قال: «لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد؛ المسجد الحرام و



### مسجد الرسول و مسجد الکوفة»<sup>۲۸</sup>

علی علیه السلام فرمود: «بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد؛ مسجد الحرام و مسجد پیامبر و مسجد کوفه.»

ابن تیمیه گمان کرده است که پیامبر در این حدیث از مسافرت به غیر مساجد سه گانه یاد شده، نهی کرده و در نتیجه از سفر برای زیارت قبور هم نهی نموده است. در حالی که دقت در مضمون این احادیث به روشنی نشان می دهد که این احادیث به هیچ وجه در مقام نهی از مسافرت به غیر مساجد مزبور نیست بلکه در مقام بیان فضیلت و برتری آن مساجد بر مساجد دیگر است و این که ثواب نماز خواندن در آن مساجد به حدی است که ارزش آن را دارد که انسان رنج سفر را برای خود هموار سازد و به خاطر کسب فضیلت نماز در آن مساجد مسافرت کند.

اساساً اگر برداشت ابن تیمیه از این احادیث درست باشد، سفر برای کسب علم و یا سفر برای جهاد و یا سیر در زمین نیز حرام و بدعت خواهد بود در صورتی که او نمی تواند چنین مطلب باطلی را ملتزم شود. بنابراین چون سفر برای امور مادی و معنوی، امری مشروع است و بعضی از سفرها حتی واجب و یا مستحب می باشد، بدون شک این احادیث در مقام انشای حکم و امر و نهی نیست بلکه چنانکه گفتیم در مقام بیان فضیلت این مساجد است. دیگر این که خود پیامبر گاهی برای ادای نماز به مسجد قبا مسافرت می کرد<sup>۲۹</sup> در حالی که مسجد قبا یکی از آن مساجد مذکور در روایت نیست.



### پی‌نوشتها:

۱- البته ابن تیمیه خود را از پیروان حنابله می‌داند، در حالی که حنابله به زیارت قبور می‌رفتند و به آن اعتقاد داشتند، تا جایی که شیخ مفید نقل می‌کند که به ما (امامیه) ایراد می‌گیرند که شما هم حنبلی شده‌اید، زیرا حنبلی‌ها هم به زیارت قبور می‌روند و نزد قبور اعتکاف می‌کنند شما امامیه هم همین کار را انجام دادید، سپس شیخ مفید پاسخ می‌دهد که اگر چیزی را حنابله انجام دادند، الزاماً کار خلاف نیست. رجوع شود به: الفصول المختار، ص ۱۲۸.

- ۲- ابن کثیر شامی، البداية و النهايه، ج ۴، ص ۱۴، ۱۳۸.
- ۳- یافعی، مرآة الجنان، ج ۴، ص ۲۷۷.
- ۴- ابن حجر، الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۵- الرسائل الكبرى، ج ۲، ص ۵۷.
- ۶- منهاج السنه، ج ۱، ص ۱۳۲.
- ۷- الرسائل الكبرى، ج ۲، ص ۶۵.
- ۸- وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۱۴۹.
- ۹- همان، ج ۲، ص ۳۴۶۲.
- ۱۰- سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰.
- ۱۱- كنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۶.
- ۱۲- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۷۵.
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹.
- ۱۴- همان، ص ۱۳۹.
- ۱۵- وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۱۶.
- ۱۶- سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- شوکانی، نیل الأوطار، ج ۴، ص ۳۲۶.
- ۱۹- امینی، الغدير، ج ۵، ص ۱۰۹ به بعد.
- ۲۰- نساء: آیه ۶۴.
- ۲۱- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴.
- ۲۲- المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۴۸.
- ۲۳- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۱۹.
- ۲۴- سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸.
- ۲۵- واقدی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴.
- ۲۶- تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۵۹.
- ۲۷- هر سه تعبیر در: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶.
- ۲۸- وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۵۲۵ و بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۹ به نقل از کتاب «الخصال» شیخ صدوق.
- ۲۹- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۷.